

## تحلیل جامعه شناختی الگوهای فرزندپروری و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم (مورد مطالعه: مددجویان زندان زاهدان)

### چکیده

خانواده اولین محیط تربیتی رشد کودک است و با اینکه در طول زمان بسویاری از کارکردهای خود را به نهادهای مختلف اجتماعی محول نموده اما هیچ نهادی تا کنون نتوانسته است مهم‌ترین کارکردهای آن را به طور کامل عهده دار شود. هدف این تحقیق شناسایی ساختار و الگوهای روابط خانوادگی زندان‌یان زندان زاهدان است. محققان بر این باورند که الگوهای روابط والدین و فرزندان در ساختار خانواده، عاملی مؤثر در گرایش به بزهکاری اجتماعی می‌باشد. هدف، شناسایی نقش کیفیت پیوندها و ساختار خانوادگی، نظارت والدین، تأثیرات والد - همسالان به عنوان متغیرهای مؤثر در پیشگیری اولیه از ارتکاب بزهکاری است. پژوهش به صورت پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه استاندارد، همراه با مصاحبه انجام شده است. جامعه آماری، زندان‌یان زندان زاهدان می‌باشد که با استفاده از جدول مورگان 341 نفر به عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. به طور عمده از نظریه‌های کنترل اجتماعی، شیوه‌های فرزند پروری و الگوی کوئرنر و فیتز پاتریک استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که 40 درصد مجرمان متعلق به خانواده‌هایی با الگوی مساحمه‌گریابی توجه و 34 درصد آنها به الگوی والدین مستبد تعلق داشته‌اند. کمبود محبت از طرف والدین، رانده شدن و طرد از خانواده، تحقیر و سرزنش والدین و الگوهای اشتغال و می‌زان درآمد ماهیانه ارتباط مستقیم و معنی‌داری با گرایش به ارتکاب جرم در بین مددجویان زندان زاهدان داشته است. نتایج نشان داد اختلال در کارکردهای خانواده از قبیل اعتیاد والدین، ضعف هم‌حضور والدین، طلاق و نزاع‌های دائمی و ضعف در کنترل اجتماعی از سوی والدین جز مهم‌ترین عوامل خانوادگی هستند که گرایش به جرم را در افراد تسهیل می‌نماید. از آنجا که آسیب‌های اجتماعی در صورت فراگیری شدن تبدیل به مسئله اجتماعی می‌گردد و مسائل اجتماعی به نوبه خود تهدید کننده امنیت اجتماعی و روانی جامعه در سطح کلان و خانواده‌ها و افراد در سطوح خرد می‌باشد بنابراین شایسته است با توجه به رویکرد پیشگیری مدار عوامل مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام شود.

## کلید واژه‌ها

شیوه‌های فرزندپروری، خانواده، پی‌شگری از ارتکاب جرم، کارکردهای خانوادگی، رضایت از زندگی.

## مقدمه

خانواده به طور سنتی به عنوان واحد اصلی تأمین کننده امکان تربیت اجتماعی فرزندان خردسال و نوجوان و حامی سنن فرهنگی تلقی شده است (گلد نیک، 1382: 121). با اینکه در طول زمان، خانواده بسیاری از کارکردهای خود را به نهادهای مختلف اجتماعی محول نموده، اما هیچ نهادی تاکنون نتوانسته است مهم‌ترین کارکرد آن را که پرورش و تربیت فرزندان است به طور کامل و شایسته ایفا کند. خانواده پایه اساسی و سازنده مهم‌ترین ساخت اجتماع است و وجود همه نظام‌های دیگر بستگی به مشارکت در نظام خانوادگی دارد (شیخ صالح، 1388: 48)، چرا که اولین سرمایه اجتماعی است که فرد با آن روبرو می‌شود و می‌تواند نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی اعضایش را تأمین کند و در این میان کارکرد عاطفی خانواده در پیشگیری از انحرافات اجتماعی مؤثر است، چرا که روابط مطلوب و احساسات عاطفی قوی بین پدر و مادر و والدین و فرزندان به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای اعضای خانواده محسوب می‌شود که نبود این فرصت مناسب، خود به خود فرد را به منابع دیگری بیرون از خانواده سوق می‌دهد. خانواده به عنوان کانون بنیادی تکوین شخصیت همواره مد نظر متفکران اجتماعی بوده و هست. بر اساس قدیمی‌ترین نوشته‌های اخلاقی، جامعه‌نگامی نیروی خود را از دست می‌دهد که افراد به وظایف خانوادگی خویش عمل نکنند. مثلاً کنفوسیوس اعتقاد داشت که خوشبختی و ترقی از آن جامعه‌ای است که افرادش به عنوان یک عضو خانواده، رفتاری صحیح و کامل داشته باشند. بدین معنا که هیچ کس از وظایف خود نسبت به فرزندان رو

گردان نباشد، زمانی که این نهاد نتواند وظایف و کارکردهایش را به درستی انجام دهد عاملی برای تربیت و تحویل افرادی با مشکلات فردی و اجتماعی به جامعه خواهد بود (محمدی فر ، 1389). متأسفانه هم اکنون آمار رو به رشد ناهنجاریها و آسیبهای اجتماعی مانند بزهکاری، خودکشی، اعتیاد، طلاق و... گواه این مسئله میباشد. البته مسائلی همچون دگرگونی و تحولات سریع اجتماعی، افزایش روز افزون ارتباطات، گذار از فرایندسنتی به مدرنیسم، محو و نابودی مرزها در راستای جهانی شدن در تمامی ابعاد، جوان بودن جامعه، تهاجم وسیع فرهنگی، نقایص عملکردی و... نیز بر دامنه این ناهنجاریها افزوده است. در حقیقت خانواده سالم و رشد یافته با تربیت فرزندان صالح ضامن سلامت و سعادت جامعه است و رفتارناشی از نقشی که در خانواده آموخته میشود، نمونه و سرمشق رفتار در سایر قسمتهای جامعه خواهد بود.

## اهمیت مسئله و ضرورت بازنگری در نقش های خانوادگی

با توجه به ویژگی عام در حال گذار بودن جامعه، ساختارهای سنتی در همه ابعاد در حال تغییر و دگرگونی میباشد و خانواده گسترده با کارکردهای وسیع حمایتی، نظارتی و نقش آموزی جای خود را به خانواده هست های مستقل میبخشد. خانواده های امروزی در یک شرایط مختلف، نامتساوی و ناهمگون زندگی گروهی کوچک اجتماع ما را تشکیل داده اند (بلاغی، 1389: 88) و تنوع آن به ویژه در شهرها، رفته رفته ضعیف تر شده است و ارزش های فرهنگی و سنتی آن جای خود را به پدیده های فرهنگی یکسان و مشابهی داده است. اینطور به نظر میرسد که خانواده تنوع سنتی موجود خود را در سایه تشکیل یک فرهنگ جهانی که از تهاجمی نا معلوم، نا مشخص و اعلام نشده، ولی به صورت تدریجی به وجود می آید، رفته رفته

از دست می‌دهد و به صورت خانواد ه‌ای یکسان و مشابه در می‌آید. در چنین فرهنگ جدیدی ، خانواده ی وحدت‌گرا و متشابه ، بازتاب دهنده ویژگی‌های همانندی است که واجد خصوصیات زیر است:

خانواده یک سازمان اجتماعی کوچک ، با ارکان مستقل از لحاظ منافع محسوب می‌شود که برای حفظ ، امنیت و ثبات پایگاه خود اشتراک م‌ساعی به خرج می‌دهد (امیرحسینی، 1382: 94). پدر یا مادر دیگر نمی‌توانند اختیار کامل امور خانوادگی را در اختیار بگیرند و مسئول اعمال خصوصی خانواده باشند. همه اعضای خانواده جزء جامعه بزرگتری محسوب می‌شوند و از حقوق بیشتری برخوردار هستند. در خانواده های امروزی زن و مرد نسبت به یکدیگر مستقل‌تر از گذشته زندگی می‌کنند و هر کس می‌تواند تا حدی معاش خود را به نوعی تأمین کند. تسلط پدر بر اعضای خانواده کاهش می‌یابد و نفوذ مادر افزایش پیدا می‌کند که این امر در طبقات پایین‌تر بیشتر نمود پیدا می‌کند. رواج فن آوری های نوین اطلاعاتی در خانواده و در سطح جامعه از یک سو و رفتارهای خارجی در محیط های کاری زن و شوهر از سوی دیگر سبب می‌شود که خانواده قسمتی از کارکردهای تربیتی دیرین خود را به سازمان های دیگری مانند مهد کودک ، پرورشگاه و آموزشگاه محول نماید. با این وصف پدر و مادر تنها وظیفه برنامه ریزی و زمینه سازی و در نهایت نقش هماهنگ کنندگی ارکان مختلف معنویتی این اجتماع کوچک را به عهده می‌گیرند. ارتباط خانوادگی و گفتمان زن و شوهر و فرزندان به علت درگیری های خارجی کاهش می‌یابد و در نتیجه کم اعتنائی کودکان به پدر و مادر بیشتر محسوس می‌شود (گیدنز، 1378: 453). این امر به بریدگی عاطفی میان اعضا و گسستگی آنها از یکدیگر کم می‌کند و عوارضی از قبیل گریز از خانه و

والدین را مطرح می‌سازد. این موضوع گاه نیز به فرزند گریزی خاص می‌انجامد. افزایش خانواده های تک فرزند، به علت عدم تمایل و انگیزه خانواده به داشتن فرزندان زیاد و نیز به جهت عدم صرفه اقتصادی، پدیده چشمگیر می‌شود. در نتیجه کودکی که در محیط خانواده همبازی کافی ندارد ، بر میزان مسئولیت خانواده اثر می‌گذارد که در این میان وجود عوامل تکنولوژی ارتباطی همچون کامپیوتر و اینترنت، ماهواره و تلویزیون باعث می‌شود که کودکان ، نوجوانان و حتی والدین به نوعی خاص و بر اساس نیازهای خود ، تنها به منافع خود بیاندیشند (مولانا، 1375: 230). رواج صنعت و افزایش شهرنشینی ، تراکم مناطق مسکونی از نوع آپارتمانی و رواج فرهنگ مخصوص به آن ، عادات دیرینه زندگی قبیل‌های و دید وبازدیدها و همبستگی‌های فامیلی را از میان می‌برد و در ایجاد تنش در خانواده‌ها تأثیر به‌سزایی دارد .

همه موارد فوق جایگاه نظارتی خانواده را کاهش داده و از آنجا که فرزندان کنترل اجتماعی کمتری را در درون نهاد خانواده احساس می‌کنند زمینه بیشتری در گرایش به جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌یابند. متأسفانه این واقعیت در حال حاضر به یک معضل عام تبدیل شده و ضرورت بازنگری در نقش‌های خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری اهمیتی بیش از پیش می‌یابد.

### چارچوب نظری تحقیق

#### • کارکردهای خانوادگی:

مک مستر در ارزیابی خانواده ، شش جنبه از کارکردهای خانواده را مد نظر قرار می‌دهد که عبارتند از:

حـل مسـئله: یک مسئله در خانواده ، به عنوان موضوعی در نظر گرفته می‌شود که یکپارچگی

وکارکرد خانواده را تهدید نموده ، لذا خانواده در جهت رفع آن تلاش می‌نماید.

-ارتباط: این بعد، از کارکردهای خانواده به تبادل اطلاعات مربوط می‌شود. به علت مشکلات عملی سنجش وگردآوری داده ها درزمینه رفتارهای غیر کلامی در این پژوهش بیشتر بر رفتارهای کلامی تکیه می‌شود(فرشاد و ابراهیمی، 1389: 87).

-نقش‌ها: نقش‌ها در قالب (رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود در مجموع های از فعالیت های دوجانبه با سایر اعضای خانواده ) تعریف شده است(بارکر، 1382: 128). انجام وظیفه نیازمند این است که تخصیص نقش متناسبی وجود داشته باشد و اعضای خانواده فعالیت های خواسته شده را براساس تخصیص نقش انجام دهند.

پاسخ دهی عاطفی : به توانایی پاسخ دهی خانواده به گستره های از محرک ها با کمیت وکیفیت عاطفی اشاره دارد .

-درگیری عاطفی : به درجه وکیفیت علاقه ونگرانی اعضای خانواده نسبت به هم مربوط است.

- کنترل رفتار: این بعد از کارکرد خانواده از تأثیر اعضای خانواده بریکدیگر تشکیل می‌شود.

#### • کارکردهای «مثبت» خانواده در نظام اسلامی

خانواده مهمترین واحد اجتماعی با کارکردهای مختلف می‌باشد، کارکردهای خانواده با تمام اشتراکاتی که در میان جوامع انسانی دارد ، در پذیرش و عدم پذیرش این کارکردها از آنها تعریفهای متفاوت ارائه می‌گردد، لذا ما کارکردهایی خانواد مثبت در نظام اسلامی را مد نظر قرار می‌دهد که عبارتند از:

## 1- ارضای نیازهای جنسی:

دیدگاه اسلام را در این زمینه بسیار جالب و قابل تأمل است، تعالیم اسلام طبق طبیعت انسان است، و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسانها توجه دارد. تعالیم اسلام این واقعیت زندگی بشری را تأیید می‌کند و حتی آن را به زندگی پس از مرگ تعمیم داده گفته شده است که مردم در دنیا و آخرت از هیچ چیز به اندازه روابط جنسی لذت نمی‌برند. علاوه بر این، اسلام به این روابط با دید مثبت نگاه می‌کند و این رفتار مشترک بین انسان و حیوان را، رنگ و بوی معنوی و عبادی می‌دهد. اولیای دین در موارد متعددی صحبت از پاداش اخروی در روابط جنسی نمود ه اند که گاه تعجب افراد را بر می‌انگیزد. اولیای دین در این مورد با معادل سازی پاداش روبرو جنسی با برخی تکالیف دینی دشوار، مانند جهاد و ریزش گناهان و پاک شدن افراد به دنبال ایجاد نگرش مثبت دینی به این رفتار در زن و شوهر بودند. طبیعی است این امر باعث می‌شود آنان احساس مثبتی در این روابط داشته و لذت و نشاط بیشتری برای آنها حاصل شود، از امتیازهای مهم دین اسلام نسبت به برخی ادیان که غالباً به روابط جنسی با دید منفی می‌نگرند، ارزش گذاری مثبت به این روابط است (بهجت، 1390: 164).

## 2- تولید مثل:

از دیدگاه اسلام یکی از نقاط مهم این کارکرد حفظ و نگهداری دقیق وراثت و نسب انسان و خانواده‌ها و جلوگیری از اشتباه نسبها می‌باشد. اما موضع اسلام نسبت به دو عامل یاد شده (ضرورت‌های اجتماعی - اقتصادی و ایدئولوژی‌ها و ارزشهای نوظهور) روشن است، تردیدی نیست که متون دینی ارزش گذاری کاملاً مثبتی در باره تولید مثل و تکثیر نسل دارند، اسلام به کنترل موالید به عنوان یک ضرورت اجتماعی خاص و به تعبیر فقهی، یک حکم ثانوی و

اضطراری نگاه می‌کند، اجازه نمی‌دهد که مردم در روحیه آسایش طلبی غرق شوند ، و اگر تغییراتی به وجود آمد که افزایش موالید را اقتضا می‌کرد، از سوی آنان با عدم پذیر مواجه گردد و در این راستا جامعه اسلامی دچار مشکل گردد. بنابراین اسلام به تولد مثل به عنوان یک از مهمترین کارکردهای مثبت خانواده می‌نگرد (ستوده، 1391: 48).

### 3- انتقال تجربه

کارکرد مهم دیگری که بی ارتباط با کارکرد قبلی نیست، آموزش زندگی فردی و اجتماعی به فرزندان و انتقال تجربه های به دست آمده در طول زندگی های پر ماجرای زن و مرد است. این کارکرد وظیفه خانواده سبب نگهبانی فرزندان از خطرات طبیعی و یا اجتماعی و بشری می‌شود. اسلام به این مهم توجه بسیار کرده و دستورهای فراوانی در این باره آورده و خانواده ای را که از این کارکرد تهی باشد و نمونه های آن در غرب فراوان است، می‌توان خانواده مسخ شده دانست. پدر و مادر موظف به پرورش و هدایت روح و اندیشه و شکل دادن به شخصیت و منش فرزندان می‌باشند همانگونه که یک باغبان به رشد طبیعی و سلامت درختان خود اهمیت می‌دهد و توجه می‌کند.

یکی از این وظایف آموزش علم و فن و هنر به فرزندان است تا بتوانند به قدر اس تعداد خود ترقی کنند. وظیفه دیگر، آموزش اخلاق و اجتماعی بارآوردن و روش معاشرت و پرورش عواطف انسانی فرزندان و توقیت روح همکاری و محبت به دیگران، خدمت به جامعه، و درک مسئولیتهای فردی و اجتماعی و خانوادگی است. بنابراین کارکرد انتقال تجربه در خانواده به صورت مث بت در قالب پرورش روحی و فکری فرزندان، انتقال فرهنگ، عقاید و زبان و آموزش زندگی فردی و



اجتماعی نمود پیدا خواهد کرد (سفیری، 1390):  
(74).

#### 4- حمایت و مراقبت

در خصوص کارکرد حمایتی خانواده ، اسلام با ارائه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های وجوبی و استحباب، زمینه تحقق این کارکرد را فراهم کرده است. از یک سو والدین و فرزندان متقابلاً به عنوان افراد واجب‌النفقه معرفی گردیده‌اند، بدین معنی که تأمین هزینه‌های زندگی فرزندان در صورت نیازمندی بر عهده پدر و یا جد پدری و با فقدان پدر بر عهده مادر، و تأمین هزینه‌های زندگی والدین در صورت نیازمندی بر عهده فرزندان است و حتی اجبار و الزام قانونی در این باره پیش‌بین شده است. از سوی دیگر، تأکید فراوان بر ارزش‌هایی مانند احسان، تعاون بر کارهای نیک و صلۀ ارحام در معنای وسیع آنکه شامل کمک‌های مالی نیز میشود، ابعاد دیگر عنایت اسلام به کارکرد حمایتی خانواده را به نمایش می‌گذارند. تحکیم هنجارهای اسلامی یاد شده می‌تواند آثار منفی زندگی شهری جدید بر کارکرد حمایتی خانواده را تا حدودی خنثی سازد (شفیعی سروستانی، 1392: 56).

#### 5- جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری فرایندی است که افراد، از طریق آن، نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های مناسب هر فرد به عنوان عضوی از یک فرهنگ خاص را می‌آموزند. در اینکه خانواده نقشی اساسی در این فرایند ایفا می‌کند، تردیدی نیست، ولی با توجه به اینکه افزون بر خانواده، عوامل دیگری نیز در جامعه‌پذیری کودکان سهیمند، بسته به میزان دخالت هر یک از این عوامل، نقش خانواده در جامعه‌پذیری در فرهنگ‌های متفاوت و در دوره‌های تاریخی متفاوت، تغییر می‌پذیرد. این کارکرد از منظر اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است و تأکیدی

که در روایات اسلامی بر آموزش قرآن کریم ، اعتقادات دینی و احکام شرعی ، به ویژه نماز ، به کودکان و نوجوانان دیده میشود . البته با توجه به تداخل کارکردهای نهادهای خانواده ، دین و آموزش و پرورش در جوامع معاصر ، از نقش خانواده در آموزش دین تا حدودی کاسته شده است و برای نمونه در ایران ، شاهد سرمایه گذاری فزاینده نهادهای دین و آموزش و پرورش در این زمینه و گسترش سریع مؤسسه های مذهبی و نشریه های دینی پس از انقلاب اسلامی بود . (همان : 143) .

### 6- عطوفت و آرامش روانی:

از دیدگاه اسلام آرامش روانی حاصل از ازدواج و مهر و مودت بین زن و شوهر از نشانه های الهی به شمار می آید. از سوی دیگر، مهر و محبت اصیل و پایدار ، منوط به تحقق مجموع های از پیش شرطهای اخلاقی مانند صداقت ، امانتداری، وفاداری، احترام و خیرخواهی است که فقدان یا ضعف هر یک از آنها در یک طرف رابطه ، می تواند تزلزل عاطفی طرف مقابل را در پی داشته باشد ؛ بنابراین، ضعف ایمان و اخلاق به جهت آثار منفی اش در رفتار فرد ، با کاهش کارکرد عاطفی خانواده ارتباط مستقیم دارد و یافته های علمی و حتی تجربیات روزمره افراد نیز به خوبی این همبستگی را تأیید می کنند (سفیری، 1390 : 83) .

### 7- تأمین پایگاه اجتماعی:

جامعه شناسان چندین عامل انتسابی (غیر اکتسابی) را در تعیین پایگاه اجتماعی افراد یا گروهها، یعنی موقعیتی که در سلسله مراتب اجتماعی احراز میکنند ، دخیل دانسته اند که عبارتند از: طبقه، نژاد، قوم، جنس، سن و تا حدودی دین و مذهب . به نظر می رسد اسلام تفاوت افراد در پایگاه اجتماعی منتسب و نقش خانواده در تعیین بخشیدن به این پایگاه را در بیشتر

موارد، یک واقعیت مفروض می‌گیرد. قرآن کریم در سوره زخرف آیه 32، از مسأله تفاوت پایگاه اجتماعی- آنجا که از عوامل اقتصادی ناشی شده باشد- به اختلاف درجات یاد می‌کند و با نسبت دادن آن به خالق هستی ، در ردیف سنت های اجتماعی قرار می‌دهد. در عین حال ، اسلام با بهره گیری ناعادلانه از عوامل یاد شده ، به لحاظ ارزشی، مخالفت ورزیده است (همان: 77).

### 8- مشروعیت

کارکرد مثبت دیگری خانواده چه از دیدگاه جامعه شناسان و چه از دیدگاه دین اسلام تأمین پدر شرعی برای فرزندان است ، اهمیت این کارکرد در نتایج و آثار اجتماعی آن می‌باشد، این کارکرد موجب انتقال منظم ارث و تداوم نظام خویشاوندی می‌باشد (ستوده ، 1391: 51).

### 9- کنترل اجتماعی

این کارکرد خانواده به دو صورت قابل بحث است:

- 1- کنترل خانواده بر اعضاء آن .
  - 2- کنترل غیر مستقیم به عنوان پیامدهای کارکردهایی چون ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، حمایت، مراقبت و جامعه پذیری تحقق می‌یابد.
- اسلام بر اساس همین نکات اساسی و کارکردهای مثل کنترل اجتماعی ، تشویق فراوان نسبت به ازدواج نموده است ، تا ارضای نیازهای جنسی و عاطفی در خانواده محدود گردد ، روحیه غیرت ورزی در میان افراد خانواده بالا برود ، والدین همت خود را در پرورش و تربیت دینی کودکان بکار بندند، والدین باید بر رفتار و کردار فرزندان نظارت داشته باشند و به فرزندان

خود در جهت تشکیل خانواده کمک کند و در نهایت محبت و روابط گرم خود را نسبت به فرزندان اظهار نمایند (همان: 53).

### 10- کارکردهای اقتصادی

علاوه بر موارد ذکر شده به عنوان کارکردهای مثبت در خانواده، کارکردهای اقتصادی شاید در موارد زیادی نادیده گرفته شود، ولی از مهمترین کارکردهای مثبت خانواده کارکرد اقتصادی می باشد، در یک نگاه کارکردگرایانه، خانواده در پهن ای تاریخ، واحدی اقتصادی بوده که اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی مشترک با یکدیگر همکاری می کرده اند. در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده کارکرد اقتصادی خود در بعد تولید تا حدود زیادی از دست داده، به صورت واحد مصرف کالاها و خدمات در آمده است، در این جوامع بسیاری از افراد ضرورتی احساس نمی کنند که برای تأمین نیازهای اقتصادی خود با اعضای دیگر خانواده همکاری داشته باشند، بلکه اصلاً ضرورتی نمی بینند که با خانواده زندگی کنند (همان: 88).

در یک ارزیابی کلی باید گفت: خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی در همه جوامع، کارکردهایی را برای جامعه ایفا می کند، اما این امر به تنهایی نمی تواند مبین وجود ارتباط علی به معنی دقیق کلمه به نوع جامعه و کارکردهای خانواده باشد. به تعبیر روشن تر، نمی توان انکار کرد که خانواده هسته ای در جوامع صنعتی به نظام سرمایه داری این کارکردها را در جهت اهداف خود بر خانواده تحمیل کرده است، چرا که خانواده در نظام هایی مغایر با نظام سرمایه داری نیز همین کارکردها را ایفا کرده و می کند. در دیدگاه اسلام، خدمات رسانی متقابل زن و شوهر از حیث معیشتی، به عنوان یکی از کارکردهای خانواده مفروض گرفته شده

است. اسلام زنان شایسته را زانی می داند که در رفع نیازهای معیشتی خانواده به شوهران خود ، به ویژه با انجام دادن کارهای خانگی ، یاری برسانند و با پاداشهای معنوی فراوانی که برای این امر مقرر کرده ، زنان را از انجام دادن کارخانگی معاف و شوهران را حتی در شرایط بی نیازی مالی زنان ، به پرداخت نفقهی آنان ملزم کرده است و به این ترتیب ، مردان عملا در خدمت زنان قرار گرفته اند. به گفته استاد شهید مطهری:

اسلام هرگز نخواستہ مرد از زن بهره کشی اقتصادی کند ، بلکه سخت با آن مبارزه کرده است... این مسئله که زن استقلال اقتصادی دارد از مسلمات قطعی اسلام است. کار زن از نظر اسلام متعلق به خود اوست. زن اگر مایل باشد کاری که در خانه به وی واگذار می شود، مجانا و تبرعا انجام می دهد و اگر نخواهد مرد حق ندارد او را مجبور کند.

### • شیوه های فرزند پروری و الگوهای تعامل خانوادگی:

هر خانواده شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد، این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شود، متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی ، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... می باشد (هاردی وپاورودیک، 2010: 241). اعتقادات، نگرشها، فعالیتها و اقدامات والدین در قالب الگوهای خانوادگی یا سبک های فرزند پروری والدین نمود پیدا می کند. اینکه والدین کدام یک از انواع سبک های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند خود تحت تأثیر عوامل گوناگونی است و بسیاری از این عوامل از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب ن اشی می شود اما هدف همه سبک های فرزند پروری شکل دهی به شخصیت روانی و تقویت

شایستگی‌های کودک است ، اهمیت این دو هدف و توجه به دو بعد از رفتارهای والدین یعنی پذیرش در برابر طرد و سختگیری در برابر آسان‌گیری موجب شده تا امروزه محققان در خصوص سبک‌های فرزند پروری والدین و تاثیراتی که هر کدام از آن‌ها بر رشد کودکان دارند به بحث و بررسی بپردازند و الگوهای مختلفی را ارائه دهند. اما تقریباً همه الگوها در این چهار شیوه فرزند پروری خلاصه می‌شود:

### والدین قاطع و اطمینان بخش<sup>1</sup>

والدینی که این الگوی فرزند پروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکر می‌دهند و آنها را تشویق می‌کنند و نوعی محدودیت و کنترل را بر آنها اعمال می‌دارند (ماسن، کانگر و کاگان، 2012: 157). در خانواده‌هایی با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودکان در سطح بالاست.

### والدین سهل گیر<sup>2</sup>

این والدین به صورت افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخ دهی دارند اما توقعی از کودکان خود ندارند و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل انگار هستند (استین برگ، 2011: 19). در این خانواده‌ها نظم و ترتیب قانونی کمی حکم فرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم و هر کس هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد.

1- Authoritative  
2-Permissive

## والدین مستبد<sup>1</sup>

شیوه فرزند پروری استبدادی با ویژگی توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف ناپذیری تحمیل می‌کنند، از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند. با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بد رفتار را تنبیه می‌کنند و ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است (هیبتی، 1381). آنها امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدش را جویا نمی‌شوند. کودکان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارد و خویشتن را بدبخت می‌پندارند، آنها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب پذیرند.

## والدین مساحمه‌گر یا بی‌توجه<sup>2</sup>

بر اساس مشاهدات سیگلمن، این گروه از والدین در مقایسه با والدین بسیار مهرورز و از خود گذشته (سهل‌گیر)، اهمال‌ورز و مساحمه‌گر به نظر می‌رسند. این والدین دارای ویژگی‌های کنترل کم، انتظارات کم، پذیرش کم و پاسخگویی کم هستند (کارول و سیگلمن، 2005: 99). به نظر می‌رسد آنها نگران بچه‌های خود نیستند و حتی ممکن است آنها را طرد کنند. آنها طوری درگیر مسائل شخصی خود هستند که فرصت ایجاد و اجرای نظم و قانون در خانواده خود را ندارند.

بر اساس این سبک از شیوه‌های فرزند پروری، محققان سعی کرده‌اند الگوهای ارتباطات خانوادگی را بشناسند و طبقه‌بندی کنند (فیتز پاتریک و ریچی، 2013: 198) و در بعد زیر بنایی جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی را در الگوهای ارتباطات خانوادگی شناسایی کرده‌اند. آنها جهت‌گیری گفت و شنود را میزان تحقق

1 - Authoritarian

2 - Negligence

شرایطی در خانواده می‌دانند که در آن همه اعضای خانواده بر شرکت آزادانه و راحت در تعامل و بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات تشویق می‌شوند و جهت‌گیری هم‌نوایی را نیز تأکید بر همسانی نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید اعضای خانواده تعریف می‌کنند (بیرامی و دیگران، 1389: 72). ترکیب این دو بعد، چهار نوع خانواده از ترکیب وضعیت‌های زیاد یا کم بر روی پیوستارهای دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی حاصل می‌کند که عبارتند از: خانواده توافق‌کننده، خانواده کثرت‌گرا، خانواده حمایت‌گر و خانواده بی‌قید (کوئرنر و فیتز پاتریک، 2002). خانواده‌های توافق‌کننده، گفت و شنود و هم‌نوایی بالایی دارند. در چنین خانواده‌هایی از یک سو علاقه به ارتباطات باز و کشف عقاید تازه و از سوی دیگر حفظ سلسه مراتب موجود، اهمیت دارد. والدین ضمن علاقه وافر به فرزندان و اظهار نظراتشان تصمیم‌گیرنده نهایی خانواده محسوب می‌شوند. خانواده‌های کثرت‌گرا، گفت و شنود بالایی دارند، ولی هم‌نوایی در میان آنها پایین است، موضوعات به صورت باز و سرگشاده مطرح می‌شود و همه اعضای خانواده در گفت و شنودها شرکت دارند، والدین ضرورتی برای کنترل فرزندان یا تصمیم‌گیری در مورد آنها نمی‌بینند، تمایل به پذیرش عقاید فرزندان خود دارند و اجازه می‌دهند به طور برابر در تصمیم‌های خانواده شرکت داشته باشند، خانواده‌های حمایت‌گر، گفت و شنود کم و هم‌نوایی بالایی دارند. در این خانواده‌ها بر اطاعت از مرجعیت و صاحب‌اختیاری والدین تأکید می‌شود و به تفکر، تعقل و ارتباطات باز اهمیت چندانی داده نمی‌شود. والدین معتقدند آنها باید برای خانواده و فرزندان‌شان تصمیم بگیرند و دلیلی نمی‌بینند در مورد تصمیمات خود توضیحی به فرزندان‌شان بدهند. خانواده‌های بی‌قید، گفت و شنود و هم‌نوایی پایینی دارند. میزان تعاملات



بین اعضای خانواده کم است و معمولاً تنها تعداد محدودی از موضوعات مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد (کریمی، 1388: 172). والدین معتقدند تمام اعضای خانواده باید قادر به تصمیم‌گیری باشند، اما برخلاف خانواده‌های کثرت‌گرا به تصمیمات فرزندان خود و برقراری ارتباط و محاوره با آنها علاقه نشان نمی‌دهند (کوئرنر و فیتز پاتریک، 2008: 123). بر اساس دیدگاه‌های غالب در حوزه خانواده، سازمان روانی و شخصیتی فرد در درون خانواده شکل می‌گیرد و به رشد و کمال می‌رسد (فرجاد، 1392: 28). از این نظر می‌توان خانواده را جایگاه اولیه یادگیری‌ها و خاستگاه بسیاری از تنش‌ها، ناکامی، موفقیت‌ها و حتی انحرافات دانست. جایگاهی که اعضای آن در یک تعامل پیچیده بسیاری از الگوهای رفتاری، عاطفی و هیجانی خود را با یکدیگر مبادله نموده و به انتقال حالات و نشانه‌ها و حمایت‌های خود می‌پردازند (احدی، 1388: 39). محیط گرم و دوستانه خانواده که دارای روابط خوب و صمیمانه باشد، معمولاً کودکان سالم، با شخصیت مثبت و فعال به بار می‌آورد. برعکس خانواده از هم پاشیده، زندگی در محیط آلوده و منحرف‌کننده، عدم مراقبت دقیق والدین و بی‌توجهی آنها بر امر تعلیم و تربیت فرزندان، اساس انحرافات را در آینده پایه‌ریزی می‌نمایند و یکی از شرایط جرم‌زا قلمداد می‌شود. شرایط جرم‌زا، به آن دسته از عوامل اشاره می‌کند که در گذشته فرد و در فضای روابط خانوادگی وی وجود داشته و گرایش به جرم را تسهیل می‌نماید (فرشاد و ابراهیمی، 1389: 129) که در این پژوهش به بخشی از آنها پرداخته می‌شود. در حقیقت هدف اصلی اقدامات در حوزه تقویت الگوها و ساختار خانواده پیشگیری از ارتکاب جرم است. در واقع پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن تعریف شده

است (کرو، 2013: 253). و از سوی دیگر برخی از تعاریف، پیشگیری از جرم را کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم از طریق مداخله در علل آن معرفی نموده اند (اکبلوم، 2000: 182).

### پیشینه پژوهش:

پژوهش‌های متعددی در حوزه جایگاه ساختار خانواده در ارتکاب جرم صورت پذیرفته است. از نظر کینزبرگ بهداشت روانی عبارت است از تسلط و مهارت در ارتباط صحیح با محیط به ویژه در سه فضای مهم زندگی یعنی عشق، کار و تفریح (میلانی فر، 1385: 120). به نظر وی، استعدادیافتن و ادامه کار، داشتن محیط خانوادگی خرسند، فرار از مسائلی که با قانون درگیری دارد، لذت بردن از زندگی و استفاده درست از فرصتها، ملاک تعادل و سلامت روان است. پترسون و زیل در پژوهش خود به وجود یک رابطه خطی بین کنترل والدین و مشکلات رفتاری فرزندان خود دست یافتند. آنها نتیجه گرفتند که کنترل کم ویا زیاد نامناسب با مشکلات رفتاری مرتبط است (پترسون و زیل، 2006: 233). مک کورد و همکارانش در تحقیقات مشاهده کردند که در خانواده‌های طبقه کارگر، فرزندان نرمال و مطمئن به خود، متعلق به خانواده‌هایی بودند که مادر خانواده انعطاف پذیر بود. در مقابل پسرهایی که از مکانیزم تخلیه سازی استفاده می‌کردند، به خانواده‌هایی تعلق داشتند که پدر یا مادر آنها روی فرزندان یا کنترل نداشتند یا بیش از حد آنها را کنترل می‌کردند. در نتیجه کودکان رفتار پرخاشگرانه زیادی نشان می‌دادند (گلشنی ابراهیمی، 1392: 78). کوترل به بررسی رابطه ارزشهای والدین، نظارت والدین و رابطه ولی - فرزند و رفتارهای 647 نوجوان 9 تا 13 پرداخت. براساس این تحقیق ارزشهای والدین، دیگر فرایندهای والدینی نظیر نظارت و ارتباط راتحت تأثیر قرار می دهد. در این

پژوهش نظارت والدین با روابط ولی - فرزندی رابطه مستقیم داشته و هر دو متغیر نیز با رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه داشتند و نظارت والدین به طور معکوس درگیر ندادن نوجوانان در رفتارهای پرخطر تحت تأثیر قرار می‌داد. در پژوهش ایزرائیل و نلسون این واقعیت مشخص شد که والدین معتقد به آزادگذاری یا محدود سازی می‌توانند پذیرا یا طرد کننده باشند و رفتار کودکان می‌تواند به سبک تربیتی والدینشان بستگی داشته باشد (محم‌دی، 1389: 55). املکامپ در پژوهش خود دریافت که بین سبک تربیتی خانواده ها و روابط درون خانواده با گرایش به ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و طرد شدگی و فقدان رابطه گرم و عاطفی در بین خانواده مجرمان بسیار بالاست (سلیمی و داوری، 1388: 96). در نتیجه از دیدگاه جامعه شناسان و روانشناسان ارتکاب جرم نتیجه مشکلات خانوادگی است. آنها در تعریف خود از مشکلات خانوادگی به مسائل متعددی اشاره دارند که می‌توان آنها را در مقوله‌هایی چون طرد فرزندان از سوی والدین، فقدان ارتباط هیجانی و عدم حمایت فرزندان از سوی والدین خلاصه کرد (کورین، 2010: 85). برخی نیز به فقدان انسجام در خانواده (وست، 2009: 183) و نظارت نداشتن والدین بفرزندان و ازدواج مجدد آنها به عنوان متغیرهای اصلی اشاره می‌کنند (پگانی، 2006: 187).

### فرضیه‌های تحقیق

1. به نظر می‌رسد میزان رضایت از زندگی افراد بر گرایش به ارتکاب جرم تأثیرگذار است
2. به نظر می‌رسد میزان تأمین کارکردهای خانواده در گرایش به ارتکاب به جرم مؤثر است.

3. به نظر می‌رسد شیوه های فرزندپروری در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.
4. به نظر می‌رسد سطح تحصیلات عامل مؤثری در گرایش به ارتکاب جرم است.
5. به نظر می‌رسد پایگاه اقتصادی افراد در گرایش به ارتکاب به جرم مؤثر است.

## روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ معیار اجرایی تحقیق ،  
کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده ها با  
استفاده از پرسشنامه از پژوهش های میدانی به  
حساب می آید و با توجه به اینکه ، تحقیق شامل  
جمع آوری اطلاعات به طور مستقیم از گروهی افراد  
است، از روش پیمایش استفاده شده است . از نظر  
زمانی نیز این تحقیق جز پژوهشهای مقطعی است و  
با توجه به اینکه محققین هیچ دخل و تصرفی در  
متغیرهای مستقل انجام نداده اند ، از این نظر  
جزء تحقیق های پس رویدادی به حساب می آید. از  
لحاظ روابط بین متغیرها و ارزیابی شدت  
همبستگی از نوع پژوهش های همبستگی است. جامعه  
آماري پژوهش حاضر ، شامل زندانیان زندان  
زاهدان در سال 1392 می باشد که براساس آمار این  
سال برابر 3063 مددجو است. برای برآورد حجم  
نمونه از جدول مورگان استفاده شده است که  
براین اساس حجم نمونه برابر با 341 نفر  
می باشد. در تحلیل پایایی از ضریب آلفای  
کرونباخ برای محاسبه پایایی گویه های  
پرسشنامه ، استفاده شده است و گویه هایی که موجب  
کاهش آلفای مقیاس شدند ، حذف گردیدند . همچنین  
در خصوص تحلیل روایی سازه ابزار تحقیق ،  
داده های تحقیق معرف آن است که مدل تحلیل  
عاملی ابزار هفتاد گویه ای از نظر آماری  
معنادار است ، چرا که شاخص آماری  $kmo$  به میزان  
 $0/862$  محاسبه شده است و علاوه بر آن شاخص آزمون  
کرویتبارتلت دارای ( $sig0/000$ ) : معناداری می باشد ،  
لذا مدل تحلیل عاملی مطلوبی است .

در این تحقیق دو متغیر مستقل شیوه های فرزند  
پروری و کارکردهای ساختاری خانواده در تعریف  
عملیاتی شده و نتایج آن در جدول 1 و 2 ارائه  
شده است.

جدول شماره 1- تعریف عملیاتی شیوه های فرزندپروری و نتایج تحلیل  
عاملی متغیر شیوه های فرزندپروری

متغیر	شاخصها	درصد واریانس تبیین شده
شیوه های فرزندپروری	میزان پذیرش	13/785
	میزان پاسخدهی	11/407
	میزان سهل گیری	9/193
	میزان ارتباط	69/41

جدول شماره 2- تعریف عملیاتی کارکردهای نهاد خانواده و نتایج تحلیل عاملی متغیر مستقل تأمین کارکردهای خانوادگی

متغیر	شاخصها	درصد واریانس تبیین شده
کارکردهای نهاد خانواده	میزان درگیری عاطفی	10/625
	میزان نقش آموزی	9/780
	میزان کنترل رفتار	9/031
	میزان ارتباط	8/485
	میزان حل مسائل	7/245
	میزان پاسخدهی عاطفی	6/245

سه متغیر مستقل دیگر عبارتند از : سطح پایگاه اقتصادی، سطح تحصیلات و میزان رضایت از زندگی

### یافته های پژوهش

#### تحلیل توصیفی

داده های پژوهش بازگو کننده آن است که آزمودنی ها دارای متوسط بین 26/9 سال بوده اند. حداکثر و حداقل بین زندانیان 82 و 17 سال گزارش شده است. 95/5 درصد زندانیان مرد و 4/5 درصد آنها زن بوده اند.

جدول شماره 3- توزیع فراوانی مطلق و نسبی متغیر سن زندانیان به تفکیک جنسیت

طبقات سنی	مردان		زنان		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
18-25	84	25/7	3	20	87	25/5
26-33	128	39/2	6	40	134	39/2
34-41	72	22/1	3	20	75	22

8	27	13/5	2	7/7	25	<b>42-49</b>
5/3	18	6/5	1	5/3	17	<b>50 سال به بالا</b>
100	341	100	15	100	326	<b>جمع</b>

در خصوص متغیر سطح سواد متأسفانه 86 درصد پاسخگویان تحصیلاتی کمتر از مقطع دبیرستان داشته‌اند. این امر به خوبی همبستگی میان میزان تحصیلات و گرایش به ارتکاب جرم را تعیین می‌نماید.

جدول شماره 4- توزیع فراوانی مطلق و نسبی متغیر میزان تحصیلات زندانیان به تفکیک جنسیت

جمع		زنان		مردان		سطح تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
25/5	87	33/4	5	25/1	82	بی سواد
34	116	26/7	4	34/2	112	ابتدایی
25/5	87	26/7	4	25/4	83	راهنمایی
5	17	6/6	1	4/9	16	متوسطه
10	34	6/6	1	11/4	33	دیپلم و بالاتر

74 درصد پاسخگویان ساکن شهر و 26 درصد آنها در روستا زندگی می‌کنند. 54 درصد پاسخگویان درآمدی کمتر از پانصد هزار تومان داشته و 31 درصد آنها در آمدی بین 500 تا 700 هزار تومان در ماه داشته‌اند.

44 درصد زندانیان در زمان دستگیری بیکار و 37 درصد آنها دارای شغل مجرمانه بوده‌اند. 32 درصد زندانیان در زمان دستگیری مجرد، 57 درصد آنها متأهل و 11 درصد آنها طلاق گرفته بوده‌اند.

جدول شماره 5- توزیع فراوانی مطلق و نسبی متغیر شیوه‌های فرزندپروری به تفکیک جنسیت

جمع		زنان		مردان		شیوه‌های فرزندپروری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
40	137	33	5	41	132	الگوی مساحمه‌گر
34	115	21	3	34	112	الگوی استبدادی
21	72	33	5	21	67	الگوی سهل‌گیر
5	17	14	2	4	15	الگوی اطمینان بخش

100	341	100	15	100	326	جمع
-----	-----	-----	----	-----	-----	-----

در خصوص متغیر رضایت زندگی 70 درصد زندانیان سطح رضایت از زندگی خود را کم و خیلی کم گزارش کرده اند و تنها 6 درصد سطح رضایت از زندگی خود را در حد زیاد گزارش کرده اند. متاسفانه 67 درصد زندانیان سابقه اعتیاد در میان یکی از اعضای خانواده خود را گزارش کرده و ساختارهای خانوادگی اکثر آنها (نزدیک به 74 درصد) نابسامان، از هم گسیخته و یا توأم با ضعف هم حضوری یکی یا هر دوی والدین می‌باشد.



## تحلیل استنباطی

جدول شماره 6- آزمون آماری یا ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی با گرایش به ارتکاب جرم

متغیر	همبستگی (r)	سطح معناداری	تعداد (n)
میزان رضایت از زندگی و عوامل گرایش به ارتکاب جرم	. /62	. /041	341
میزان تأمین کارکردهای خانوادگی و عوامل گرایش به ارتکاب به جرم	. /61	. /036	341
شیوه‌های فرزندپروری و گرایش به ارتکاب جرم	. /67	. /006	341
سطح تحصیلات و گرایش به ارتکاب جرم	. /87	. /007	341
بایگه اقتصادی افراد و گرایش به ارتکاب جرم	. /511	. /002	341

در تحلیل آماری که در ارتباط بین متغیرهای مستقل مورد بررسی با گرایش به ارتکاب جرم انجام گردید نتایج بیانگر این است که تمام فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید واقع گردیده و بین متغیرها ارتباط معناداری وجود دارد و نتایج حاصل به شرح زیر است:

$H_1$ : به نظر می‌رسد بین رضایت از زندگی و عوامل گرایش به ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به تحلیل آماری بالا و سطح معناداری به دست آمده (. /041 کمتر از . /05) پی به رابطه معناداری بین متغیرهای رضایت از زندگی و گرایش به ارتکاب جرم می‌بریم. به عبارت دیگر سطح رضایت از زندگی در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

$H_2$ : به نظر می‌رسد میزان تأمین کارکردهای خانواده در گرایش به ارتکاب به جرم مؤثر است.

با توجه به تحلیل آماری بالا و سطح معناداری به دست آمده (. /036 کمتر از . /05) پی به رابطه معناداری بین متغیرهای میزان تأمین کارکردهای

خانواده و گرایش به ارتکاب جرم می‌بریم. به عبارت دیگر میزان تأمین کارکردهای خانواده در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

H<sub>3</sub>: به نظر می‌رسد شیوه‌های فرزندپروری در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

با توجه به تحلیل آماری بالا و سطح معناداری به دست آمده (006/. کمتر از 05/.) پی به رابطه معناداری بین متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری و گرایش به ارتکاب جرم می‌بریم. به عبارت دیگر شیوه‌های فرزندپروری در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

H<sub>4</sub>: به نظر می‌رسد سطح تحصیلات عامل مؤثری در گرایش به ارتکاب جرم است.

با توجه به تحلیل آماری بالا و سطح معناداری به دست آمده (007/. کمتر از 05/.) پی به رابطه معناداری بین متغیرهای سطح تحصیلات و گرایش به ارتکاب جرم می‌بریم. به عبارت دیگر سطح تحصیلات در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

H<sub>5</sub>: به نظر می‌رسد پایگاه اقتصادی افراد در گرایش به ارتکاب به جرم مؤثر است.

با توجه به تحلیل آماری بالا و سطح معناداری به دست آمده (002/. کمتر از 05/.) پی به رابطه معناداری بین متغیرهای پایگاه اقتصادی افراد و گرایش به ارتکاب جرم می‌بریم. به عبارت دیگر پایگاه اقتصادی افراد در گرایش به ارتکاب جرم مؤثر است.

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق در مورد شیوه‌های فرزندپروری والدین، خانواده‌های مجرمین به دلیل از هم پاشیدگی، ناسازگاری و عدم توانایی در تربیت فرزندان، بیشتر از سبک‌های مساحمه‌گر و استبدادی استفاده می‌کنند. در الگوی مساحمه‌گر

(بی توجه) والدین دارای ویژگی های کنترل کم ، انتظارات کم و پاسخگویی کم هستند. این الگو در شیوه فرزند پروری به خوبی با نظریه کنترل اجتماعی در حوزه کجروی های اجتماعی تبیین می شود. تراویس هرشی مهم ترین صاحب نظر این رویکرد علت همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است . ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجرفتاری می شود (اعزازي، 1380: 59) ، بنابراین هنگامی که فرزندان در دوره نوجوانی پیوندهای اجتماعی و خصوصا عاطفی با خانواده خود را از دست می دهند در واقع کنترل اجتماعی مؤثری را احساس نکرده و آزادی عمل بیشتری برای گرایش به انحرافات اجتماعی پیدا می کنند. ولی والدین مستبد غالبا می خواهند رفتار فرزندان خود را کنترل نمایند و از اطاعت بی چون و چرا استفاده می کنند. استفاده از این روش ها برتعارض های فرزندان می افزاید. این الگو از شیوه های فرزندپروری نیز با نظریه یادگیری و پیوند افتراقی ادوین ساترلند تبیین می شود. ساترلند معتقد ب ود که کجرفتاری و همنوایی طی فرایندهای مشابه یادگرفته می شوند و کج رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگها و گروه های همسالان است. بنابراین نکته اصلی در این نظریه این است که افراد کجرفتاری را در طول تعامل خود و طی فرایندهای خاصی یاد می گیرند. در این پژوهش 73 درصد مجرمان در اقوام خود ، دارای افراد مجرم هستند و بر این اساس نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند تاثیر زیادی بر تشکیل و تقویت بزهکاری می گذارند (صدیق سروستانی، 1384: 76) و فرد را به سوی بزهکاری سوق می دهند. از سوی دیگر هنگامی که متغیر تأمین کارکردهای خانوادگی زندانیان مورد بحث قرار گرفت ، تنها ده درصد زندانیان میزان درگیری عاطفی بالایی با خانواده خود داشتند. 55 درصد زندانیان میزان نقش آموزی از

سوی خانواده خود را خیلی کم گزارش کردند و میزان کنترل رفتار در 87 درصد زندان یان کم و خیلی کم عنوان شد. تنها 6 درصد زندانیان ارتباط بسیار زیادی با خانواده خود داشتند و 92 درصد زندانیان نقش خانواده خود را در حل مسائلشان کم یا خیلی کم گزارش نموده اند. تنها در میان 7 درصد از پاسخگویان میزان پاسخ دهی عاطفی از سوی خانواده خیلی زیاد عنوان شده است. این آمارها هنگامی که با متغیر پایگاه اقتصادی خانواده های مجرمان تفسیر می شود، در می یابیم که این دو متغیر نقش تسهیل کننده ای در گرایش به ارتکاب جرم بازی می کنند. این یافته ها به خوبی با استفاده از نظریه انطباقی مرتن تبیین می شود. وی معتقد است بی هنجاری عبارت است از شکافی که از ستیز میان هنجارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی حاصل می شود و بر رفتار افراد تأثیر می گذارد (شیخاوندی، 1389: 74). مجرمان معمولاً گروهی هستند که برای رسیدن به ارزشها و اهداف مورد قبول خود و جامعه از وسایل نادرست و روشهای غیر متعارف استفاده می کنند. وقتی افراد در درون ساختار خانواده وسایل مشروعی برای دستیابی به اهدافی چون موفقیت نمی یابند، از روشهای غیر متعارف برای تحرک عمودی استفاده می کنند. در این پژوهش 85 درصد زندانیان درآمدی کمتر از 700 هزار تومان داشته اند و 81 درصد آنها یا بیکار و یا دارای مشاغل کاذب بوده اند. این امر متأسفانه به عنوان یک متغیر مؤثر موجب گسترش ارتکاب جرم در میان این افراد می شود. با توجه به یافته های تحقیق 26 درصد مجرمان، روستانشین و 53 درصد آنها در حاشیه شهر زاهدان زندگی می کردند. محیط زمینه ساز ارتکاب جرم (باندهای خلاف کارسرت، فحشا و جرائم خشن، خرده فروشی مواد مخدر) در این مناطق به خوبی ملموس می باشد. بر طبق نظریات جامعه شناسی مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهر کوچکتر به

شهر بزرگتر باعث ناهمنوایی و اختلال در اجتماعی شدن می‌گردد و اگر فردی در روند اجتماعی شدن با هنجارهای اجتماعی آشنا شود و ارزش‌ها را در شخصیت خود عمق نبخشد، نمی‌تواند کردار و رفتار خوب را از بد تشخیص دهد (مظلوم خراسانی، 1383: 129). حضور در محیط‌های مستعد ارتکاب جرم به خوبی با نظریه فرصت‌های نامشروع انطباقی تبیین می‌شود. کلووارد و اهلین معتقدند شکاف میان اهداف و ابزار همراه با متغیر فرصت‌های نامشروع افتراقی باعث کجروی می‌شوند. بسیاری از افراد طبقات پایین برای ارتکاب کجروی تحت فشارند اما لزوماً نمی‌توانند کجرفتاری کنند چون از فرصت‌ها و ابزار نامشروع لازم برای کجرفتاری بی‌بهره اند (فیضی آبادی، 1389)، ولی سکونت در محله‌های نابسامان این فرصت را در اختیار ساکنین آنها قرار می‌دهد. میزان رضایت از زندگی نیز با توجه به فقدان سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پایین می‌باشد و گواه این امر سطح بسیار پایین تحصیلات در بین مجرمان زندان زاهدان می‌باشد.

## پیشنهادهای

- از آن جهت که نتایج پژوهش حاکی از وجود عوامل مؤثر در ارتکاب جرم در بین زندانیان می‌باشد. خصوصاً اثر نحوه ارتباط با فرزندان عامل مهمی در تأمین بهداشت روانی خواهد بود. لذا پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- 1- پیشگیری‌های اولیه، اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش حل مسئله، الگو بودن والدین، تقویت مهارت‌های ارتباطی در خانواده.
- 2- داشتن سبک مناسب تربیتی در خانواده و سعی در ایجاد یک خانواده منظم و متعادل، تقویت نیروی ایمان، باور و اعتقاد در خانواده و شناخت فرزندان و نظارت و کنترل مناسب.

3- با توجه به سیاست های معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه توصیه می شود تا سطوح سه گانه پیشگیری از وقوع جرم (فرهنگی- اجتماعی، وضعی- امنیتی- انتظامی و حقوقی- قضائی) در تدوین تمامی برنامه های اجتماعی در نظر گرفته شود، یعنی از سویی در سطح اول اجتماعی شدن در افراد عادی و جامعه پذیری ثانویه و باز اجتماعی شدن در مجرمان مد نظر قرار گیرد. در سطح ثانویه عوامل زمینه ساز جرم کاهش یافته و هزینه ارتکاب آن برای مجرمان افزایش یابد و در سطح سوم با وضع قوانین کیفری مناسب خلأهای قانونی در مبحث آسیب های اجتماعی کاهش یابد؛

4- در خصوص آموزش مشاوره و مددکاری اجتماعی در پلیس، که یکی از متنوع ترین مأموریت های پلیس را در طبقات سنی و اجتماعی مانند ، رسیدگی به امور اطفال و کودکان ، زنان بزه دیده ، حل اختلاف خانوادگی ، رسیدگی به درخواست های مشاوره و ... تشکیل می دهد، بنابراین آموزش همگانی بر ای زمینه سازی تشکیل پلیس جامعه محور پیشگیری کننده از جرم پیشنهاد می شود.

5- همکاری و هماهنگی با سازمان های درگیر در امر پیشگیری اجتماعی گسترش یابد .

6- برای همسو کردن ، استمرار و وحدت اهداف پیشگیرانه پلیس جامعه محور با سازمان های دیگر اقدام لازم بعمل آید .

7- پیشگیری اجتماعی به گونه ای برنامه ریزی شود که نقش سازمان ها و نهادهای مردمی در امر پیشگیری اجتماعی تبیین شود .

## منابع

- احدی، سید احمد (1383)، روان شناسی نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات مشعل.
- ارنسون، الیوت (1369)، روان شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
- اعزازی، شهلا (1380)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- امیرحسینی، خسرو (1382)، خانواده خوشبخت و فرزند موفق، تهران: انتشارات رشد.
- بارکر، فیلیپ (1382)، خانواده درمانی، ترجمه محسن دهقانی، تهران: انتشارات رشد.
- بلاغی، ربابه (1389)، خانواده و پیشگیری از اعتیاد، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- بیرامی، منصور و محمدپور، وهاب (1389)، بررسی تطبیقی شیوه‌های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی خانواده در افراد معتاد و عادی، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- بهجت، آیه‌الله محمدتقی (1390)، توضیح المسائل (فارسی)، قم: انتشارات شفق.
- ستوده، امیررضا، (1391)، پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی، تهران: نشر پنجره.
- سفیری، خدیجه (1390)، جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران: انتشارات تبیان.
- سلیمی، علی. داوری، محمد (1385)، جامعه شناسی کجروی، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیخ صالح، منوچهر (1388)، خانواده و ترک اعتیاد، تهران: نشرنی.
- شیخاوندی، داور. (1389)، جامعه شناسی انحرافات، گناباد، انتشارات مرندیز.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (1392)، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، چ1، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (1387)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

- فرجاد، محمدحسین (1382)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، فساد اداری، اعتیاد و طلاق، تهران: انتشارات اساطیر
- فرشاد، مرضیه و ابراهیمی، علی اکبر (1389)، بررسی و مقایسه ابعاد کنش ورزی در خانواده افراد معتاد و عادی، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- فیض آبادی، رضا و افرا، هادی و دیگران (1389)، تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در خراسان شمالی، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- کریمی، یوسف (1388)، روانشناسی اجتماعی. تهران: انتشارات ارسباران.
- گلدنیک، ساموئل (1382)، خانواده درمانی، ترجمه فرشاد بهاری و سوسن تبریزی، تهران: انتشارات تزکیه
- گلشن ابراهیمی، گلشن (1392)، خصوصیات روش‌های تربیت والدین از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهرستان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (1378)، ترجمه منوچهر عبادی، تهران: نشر نی.
- محمدی، یحیی (1389)، رابطه بین سبک‌های تربیتی خانواده با گرایش به اعتیاد به مواد مخدر، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- محمدی فر، محمدعلی (1389)، نقش خانواده در پیشگیری از اعتیاد، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر
- مظلوم خراسانی، محمد (1389)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مولانا، حمید (1375)، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
- میلانی فر، بهروز (1385)، بهداشت روانی، تهران: انتشارات قومس.
- هیبتي، خليل (1381)، بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.





- Crow, Timothy (2013). crime prevention Through Enviromental Design,Stoneham,MA: Butter Worth-Hein eman.
- Ekblompaul(2001). The Conjunction of criminal opportunity: Aframework for crime Reduction toolk its, palicingand Reducing crime unit, Home office. Lndan. U. K.
- Fitz patrick ,M. A. aritchie,L. D(2013). communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. Human communication Research. 20,275-301.
- Fitz Patrick, m. a. (2013). The family communication patterns theory: observations on its development and application. the Journal of family communication. 4,167-179.
- Hardy ,D. F, power. T. G, Jeadicke,s. (2010). Examining the relation of parenting to childerens coping with every days stress. Child development , val,64. P. 841.
- Mussen,Conger and , kagan (2012). child development and personality Hthed. P. P. 636-637. National Institute. F Drug Abuse (2007)Science- based prevention Programs and Principles[on-line]. Available.
- Peterson,J an Zill(2006). Marital Disruption,Jownal of marriage and the family ,48,295-307.
- Sigelman,k,(1999). life soan human developman. 3rded. p. cm. p. 413.
- Steinberg,L. D. (2001)Adolescence(4ed): Newyork.

